

دو مکتب فلسفی و فکری در مقابل هم در قالب جهان دو قطبی به شمار می‌رود.

در سال ۱۹۶۹ کتاب «سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی» را به رشته تحریر درآورد که به تحلیل تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جهان سوم و مسایل مرتبط با آن مانند شورش، کودتا، انقلاب، برنامه‌های نوسازی اقتصادی و... می‌پردازد. در حقیقت دیدگاه‌های مطرح شده در این کتاب، نظریات منسوب به طیف ارتدوکس‌های دهه ۱۹۶۰ مانند دانیل لرنر، ادوارد



ولی کوزه‌گر کالجی  
بزهشگر در حوزه مطالعات بین‌المللی

## ساموئل هانتینگتون کیست؟

طول دوران حیات خود، نویسنده و ویراستار بیش از ۱۷ کتاب و بیش از ۹۰ مقاله پژوهشی بوده است. حوزه‌های اصلی و تخصصی‌اش را مسایلی چون سیاست و حکومت در آمریکا، دموکراسی، سیاست‌ها و استراتژی‌های نظامی، سیاست تطبیقی و توسعه سیاسی تشکیل می‌داد. هنری روزوسکی (Henry Rosovsky) اقتصاد دان برجسته دانشگاه هاروارد و کسی که بیش از شش دهه آشنایی و دوستی نزدیک با هانتینگتون داشت، درباره وی این گونه می‌گوید: «مردم در سراسر جهان مباحث و ایده‌های او را مطالعه می‌کنند. من معتقدم که او یکی از موثرترین دانشمندان سیاسی در طی ۵۰ سال گذشته بوده است».

نخستین کتاب هانتینگتون «سرباز و دولت: تئوری و سیاست روابط نظامی - مدنی» در سال ۱۹۵۷ منتشر شد که تاکنون بیش از ۱۵ بار تجدید چاپ شده است و یکی از مهمترین منابع دانشگاهی در تبیین چگونگی پیوند تأثیرگذاری مسایل نظامی و امنیتی با واقعیت‌های سیاسی است. هانتینگتون این کتاب را در فضای سیاسی حاکم بر آمریکا در دوران ریاست جمهوری هری ترومن و مسایل نظامی پیش آمده در جنگ کره و نقش آفرینی ژنرال مک آرتور نگاشت.

در سال ۱۹۶۴ هانتینگتون با همکاری زبینگو برژینسکی، دیگر چهره برجسته سیاسی آمریکا که خود در اوایل دهه ۱۹۵۰ دوره دکتری خود را در هاروارد به اتمام رسانده بود، کتاب «قدرت سیاسی: ایالات متحده آمریکا و شوروی» را تألیف نمود که یکی از مهمترین منابع در درک پویای جنگ سرد و چگونگی قرارگیری



جهان در ۲۴ دسامبر سال ۲۰۰۸ شاهد درگذشت ساموئل هانتینگتون، یکی از تأثیرگذارترین نظریه‌پردازان حوزه مطالعات سیاسی و بین‌المللی در قرن بیستم بود. صرف‌نظر از هر گونه قضاوت درباره ماهیت و سمت و سوی اندیشه و افکار او که شاید بخشی از آن برای ما ایرانیان خوشایند نباشد، تأثیر شگرف هانتینگتون بر سیر اندیشه سیاسی حقیقی انکارناپذیر است. از این رو قرار گرفتن نام وی در ردیف چهره‌های برجسته‌ای مانند هنری کسینجر، هانس مورگنتا، فرانسیس فوکویاما، لئو اشتراوس، آنتینو گرامشی، جوزف نای و... در عرصه مطالعات سیاسی و بین‌المللی و نیز در مقام مقایسه با بزرگان دیگری مانند آنتونی گیدنز در جامعه‌شناسی، توماس فریدمن در اقتصاد و یورگن هابرماس در فلسفه سخنی به گزاف نخواهد بود. از آن جا که بررسی و تامل در اندیشه هانتینگتون در این نوشتار کوتاه امکان‌پذیر نخواهد بود و شاید به دلیل پیچیدگی‌های خاص خود از حوصله برخی از خوانندگان نیز خارج باشد، در ادامه تنها به بررسی کلی زندگی، آثار و مهمترین اندیشه‌های وی پرداخته می‌شود، به این امید که این مقاله کوتاه بتواند تصویری کلی از تفکرات این صاحب‌نظر بزرگ قرن بیستم بدست دهد.

ساموئل هانتینگتون (Samuel P. Huntington) فرزند ریچارد توماس هانتینگتون نویسنده و ناشر معروف آمریکایی در ۱۸ آوریل سال ۱۹۲۷ میلادی در نیویورک، در یک خانواده مهاجر انگلیسی به دنیا آمد. هانتینگتون پس از اتمام تحصیلاتش در دوره دبیرستان از مدرسه استوی وست، با استعداد شگفت‌انگیزش در سال ۱۹۴۶ و در سن ۱۸ سالگی از کالج معتبر ییل در دوره کارشناسی فارغ‌التحصیل شد. دوره کارشناسی ارشد را در دانشگاه شیکاگو در سال ۱۹۴۸ به پایان برد و دکترای علوم سیاسی را در سال ۱۹۵۱ از دانشگاه هاروارد گرفت و زمانی که تنها ۲۳ سال بیشتر نداشت، در معتبرترین دانشگاه آمریکا و جهان یعنی دانشگاه هاروارد به تدریس پرداخت. هانتینگتون پس از ۵۸ سال تدریس و پژوهش در سال ۲۰۰۷ از دانشگاه هاروارد بازنشسته شد. در نامه تقاضای بازنشستگی خطاب به ریاست دانشگاه هاروارد این گونه می‌نویسد: «برای من تدریس به ویژه تدریس در دوره کارشناسی در مقایسه با افتخارات و یا دوران خدمت رسمی، لذت بخش تر بوده است. برای من هریک از سال‌های سیری شده از ۱۹۴۹ تاکنون ارزشمند است».

هانتینگتون به عنوان یک پژوهشگر پرتلاش در

بدون شک این کتاب یکی از تأثیرگذارترین کتاب‌های هانتینگتون به شمار می‌رود. به گونه‌ای که امروزه در اکثر دانشگاه‌های جهان به عنوان یک منبع مهم مورد استفاده قرار می‌گیرد. خوشبختانه این کتاب نیز در ایران با ترجمه آقای محسن ثلاثی از سوی نشر علم چاپ و منتشر شده است.

تجربیات منسوب به دیدگاه‌های مطرح شده در این کتاب، نظریات منسوب به طیف ارتدوکس‌های دهه ۱۹۶۰ مانند دانیل لرنر، ادوارد شیلز، گابریل آلموند و وربا و... در زمینه توسعه را به چالش کشاند. طیفی که با تأکید بر تمایز بین سنت و مدرنیسم، دولت و سیاست در جوامع جهان سوم را با خصوصیات سنتی مشخص می‌کردند و با اعتقاد به یک روند تک خطی بر این باور بودند که کشورهای جهان سوم باید همان مسیر کشورهای غربی را در توسعه طی نمایند و به الگوی مطلوب توسعه در قالب لیبرال دموکراسی دست پیدا کنند. مباحث هانتینگتون یک چرخش اساسی در مباحث نظریه‌پردازان نوسازی به شمار می‌رود. هانتینگتون در کتاب خود این ایده را مطرح ساخت که فقدان اقتدار و سامان سیاسی و بروز مسایل و مشکلاتی مانند نابسامانی‌های سیاسی و اجتماعی از بنیادی‌ترین عوامل در توسعه نیافتگی کشورهای جهان سوم به شمار می‌رود. او این گونه استدلال می‌کند که جریان نوسازی اقتصادی و اجتماعی در این جوامع موجب پیدایش گروه‌های اجتماعی جدیدی می‌شود که خواهان حضور در عرصه سیاست هستند، اما کندی نوسازی سیاسی در این جوامع فرصت‌ها و نهادهای لازم برای مشارکت این گروه‌ها در عرصه سیاست را فراهم نمی‌کند. بنابراین، این وضع باعث بروز کشمکش‌های سیاسی خشونت‌آمیز در این جوامع می‌شود. به نظر هانتینگتون وقوع انقلاب‌ها در جوامع جهان سوم در همین مسایل و کشمکش‌ها ریشه دارد. او انقلاب‌ها را نمونه شدید انفجار مشارکت سیاسی و وسیله‌ای برای نابودی نهادهای سیاسی سنتی - که مانع گسترش مشارکت سیاسی هستند - می‌داند. تحلیل‌گران بسیاری با بهره‌گیری از این ایده به تبیین انقلاب‌های بزرگ جهان از جمله انقلاب اسلامی ایران با تأکید بر برنامه‌های نوسازی شاه در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ هجری شمسی، شکل‌گیری گروه‌های جدید اجتماعی و تعارض میان نیروهای سنتی و جدید می‌پردازد. تأثیر دیدگاه‌های هانتینگتون به عنوان یک ناظر خارجی در مورد علل و ریشه‌های انقلاب و تأثیر آن بر متون مختلف موجب شده است به گونه‌ای غیرمستقیم از منابع معتبر و هم پای آثار افرادی چون میشل فوکو، خانم پرفسور لپمتون، پروانده آبراهامیان، آر. نیکی کدی و شیرین هانتر در مورد تحولات انقلاب ایران به شمار برود.

بدون شک این کتاب یکی از تأثیرگذارترین کتاب‌های هانتینگتون به شمار می‌رود. به گونه‌ای که امروزه در اکثر دانشگاه‌های جهان به عنوان یک منبع مهم مورد استفاده قرار می‌گیرد. خوشبختانه این کتاب نیز در ایران با ترجمه آقای محسن ثلاثی از سوی نشر علم چاپ و منتشر شده است.

شده است و یکی از منابع اصلی در درس‌های نوسازی و دگرگونی سیاسی و نیز مسایل سیاسی - اقتصادی جهان سوم در دوره‌های کارشناسی، ارشد و دکتری علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در ایران به شمار می‌رود.

هانتینگتون در سال ۱۹۹۱ کتاب مشهور خود با نام «موج سوم دموکراسی در پایان سده ۲۰» را نوشت که در این کتاب هانتینگتون اعتقاد به سه موج گسترش دموکراسی در جهان دارد. به اعتقاد وی موج اول دموکراسی درحد فاصل سال‌های ۱۸۲۰ تا ۱۹۲۶ میلادی با وقوع تحولاتی چون انقلاب کبیر فرانسه، انقلاب آمریکا و اعطای حق رای به شهروندان رخ داده است. به اعتقاد هانتینگتون روی کار آمدن نازیسم و فاشیسم و وقوع جنگ جهانی دوم موجب توقف این موج و به تعبیر وی موج اول بازگشت شده است. موج دوم دموکراسی از سال‌های پایان جنگ جهانی دوم در ۱۹۴۵ با گسترش دموکراسی در اروپا، بخش‌های مدیترانه و رهاشدن کشورهای آمریکای لاتین و آسیایی از بند استعمار آغاز و تا اوایل دهه ۱۹۶۰ میلادی ادامه می‌یابد. موج دوم با وقوع کودتاهای متعدد و استقرار حکومت‌های نظامی در آرژانتین، اروگوئه، یونان، شیلی و... دچار موج دوم بازگشت می‌شود. در نهایت موج سوم دموکراسی با سقوط دیکتاتوری سالازار در پرتغال در ۱۹۷۴ میلادی آغاز می‌شود و با سقوط رژیم‌های نظامی در اسپانیا، یونان و بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین و آسیایی همراه می‌شود. تداوم این موج که با فروپاشی شوروی و ازبین رفتن جدی‌ترین رقیب لیبرال دموکراسی یعنی مکتبی مارکسیسم همراه بوده است به اعتقاد هانتینگتون قوی‌ترین و فراگیرترین موج دموکراسی به شمار می‌رود و با عبور از موانع پیشروی خود از حالت منطقه‌ای به صورت جهانی درخواهد آمد. این نوع برداشت هانتینگتون از دموکراسی، بسیار شبیه اندیشه پایان تاریخ دیگر اندیشمند آمریکایی، فرانسیس فوکویاما است که لیبرال دموکراسی را آخرین گزینه ممکن برای زندگی سیاسی و اجتماعی انسان‌ها می‌داند.

اما شهرت هانتینگتون در جهان به ویژه در ایران به واسطه طرح نظریه معروفش «برخورد میان تمدن‌ها» است که برای نخستین بار در قالب مقاله‌ای در مجله معتبر فارین افرز (Foreign Affairs) در سال ۱۹۹۳ مطرح گردید که به دلیل توجه گسترده جهانی از حمایت‌های رهبران سیاسی آمریکا گرفته تا شدیدترین مخالفت‌ها، نقدها و انتقاداتی که از سوی دانشگاهیان جهان به ویژه کشورهای آسیایی صورت گرفت، وی را بر آن داشت تا با بسط و تکمیل نظریه‌اش آن را در قالب کتابی مستقل به نام برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی در سال ۱۹۹۶ منتشر کند که در فاصله اندکی به بیش از ۳۹ زبان دنیا ترجمه و در اختیار پژوهشگران و علاقه‌مندان قرار گرفت. خوشبختانه این کتاب در ایران با ترجمه روان و شیوای آقای محمد علی حمید رفیعی و به همت دفتر پژوهش‌های فرهنگی در سال ۱۳۷۸ ترجمه و در اختیار جامعه علمی کشور قرار گرفته است.

هانتینگتون در این نظریه بینش ژئوپلیتیکی (Geo-Politic) را جایگزین ژئوپلیتیک (Geo-culture)

نمود و با اشاره به پایان کشمکش‌های سوسیالیستی - کاپیتالیستی، ماهیت تنش‌ها در جهان پس از جنگ سرد را اختلاف‌های فرهنگی و تمدنی می‌داند. به باور وی برخورد هفت تمدن، نزاع اصلی در جهان آینده را به تصویر خواهد کشاند: تمدن غرب (آمریکا و اروپا)، تمدن ژاپنی، تمدن کنفوسیوسی (چین و اسلام)، تمدن اسلامی (همه کشورهای مسلمان)، تمدن اسلاو - ارتدوکس (روسیه و بخشی از کشورهای بلوک شرق سابق) و تمدن آمریکای لاتین (همه کشورهای آمریکای جنوبی و مرکزی). در حاشیه این هفت تمدن درگیر، یک تمدن فرعی دیگر نیز وجود دارد به نام تمدن آفریقایی که گویا در جدال تمدن‌ها چندان کارساز نخواهد بود. هانتینگتون بر این باور است که نبرد نهایی بین تمدن اسلام و غرب به دلیل تفاوت‌های بنیادیشان در خطوط گسل خواهد بود و در این مسیر تمدن کنفوسیوسی نیز در کنار تمدن اسلامی در مقابل تمدن غرب خواهد ایستاد. البته هانتینگتون در تایید نظریات خود به مصادیقی همچون بحران بالکان و صف‌آرایی کشورهای مسلمان در حمایت از مسلمانان بوسنی و مسیحیان از صرب‌ها و نیز جنگ آمریکا و عراق در سال ۱۹۹۱ نیز اشاره می‌کند.

نظریه برخورد تمدن‌ها مخالفت‌ها و انتقادات فراوانی را در محافل سیاسی و به ویژه دانشگاهی جهان برانگیخت. به عنوان مثال سمیر امین، اقتصاددان و نظریه‌پرداز برجسته چپ‌گرای مصری‌الاصل، وی را تا حد یک کارمند دون پایه مرکز اطلاعاتی و امنیتی آمریکا تقلیل می‌دهد. بسیاری از منتقدان دیدگاه‌های هانتینگتون را در راستای سیاست خارجی تهاجمی نومحافظه‌کاران آمریکا و عامل تشدید جنگ و درگیری و اختلاف بین کشورهای مختلف تجزیه و تحلیل نمودند. شاید سید محمد خاتمی، رئیس‌جمهور سابق ایران را بتوان برجسته‌ترین چهره سیاسی دانست که با طرح «گفت‌وگوی تمدن‌ها» در مقابل دیدگاه «برخورد تمدن‌ها» توجه جدی جهانیان را به این نظریه برانگیخت.

در سطح جامعه علمی و دانشگاهی ایران، بدون شک مقالات استاد فرهیخته، دکتر محمد قراگوزلو بر این نظریه



را می‌توان علمی‌ترین و جامع‌ترین نقدهای ایرانیان دانست. ایشان در مقالات متعددی در دو ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی از جمله «خطوط گسل در نظریه برخورد تمدن‌ها» (شماره ۱۴۸-۱۴۷) و «نقد و بررسی همه‌جانبه ایده برخورد تمدن‌ها» (خرداد و تیر ۱۳۸۳) به واکاوی دقیق این نظریه پرداختند. ایشان همچنین در نامه‌ای به ساموئل هانتینگتون و فرانسیس فوکویاما به نقد دیدگاه‌های این دو اندیشمند بزرگ آمریکایی و همسویی آن‌ها با سیاست‌های نومحافظه‌کاران پرداختند که متن نامه ایشان در شماره ۱۷۶-۱۷۵ دو ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی چاپ شده است. آن گونه که دکتر قراگوزلو در مقاله‌شان اشاره کرده‌اند، ظاهراً هانتینگتون در دو تماس مستقیم تلفنی و پست الکترونیکی با ایشان ضمن پذیرش برخی از انتقادات و اشکالات در ارتباط با تقسیم‌بندی‌های تمدنی و گسل‌های فرهنگی و دینی در منطقه بالکان و خاورمیانه عربی، قول دادند که آن‌ها را اصلاح نمایند اما نشانه‌ها حاکی از آن است که این قول صورت عملی به خود نگرفته است. به هر صورت مطالعه این مقالات و نقدها در کنار مطالعه کتاب هانتینگتون می‌تواند انسان را با زوایای مختلف این نظریه بیشتر آشنا سازد.

از جمله آخرین آثار هانتینگتون کتاب «چند جهانی شدن - گوناگونی فرهنگی در جهان کنونی» است که توسط آقای علی کمالی ترجمه و از سوی انتشارات روزنه در سال ۱۳۸۴ در اختیار علاقه‌مندان ایرانی قرار گرفته است. هانتینگتون سال‌های پایانی عمر خود را برای انجام یک پروژه تحقیقاتی تحت عنوان «موضوعات فرهنگی: چگونه ارزش‌ها پیشرفت‌های بشری را شکل می‌دهد؟» صرف نمود.

هانتینگتون علاوه بر نگارش کتاب‌ها و مقالات متعدد علمی، مسوولیت‌های مختلفی را در مراکز علمی، نشریات تخصصی و نیز سمت‌های سیاسی آمریکا بر عهده داشت که این امر تاثیر به‌سزایی بر غنا بخشیدن به آثار وی داشته است.

دکتر کالتون که هانتینگتون به عنوان استاد راهنما پایان‌نامه دکترایش را هدایت نمود، درباره تجربه کاری و علمی با وی معتقد است: «او همواره چشمانم را به موضوعات جدیدی باز می‌کرد و پرسش‌هایی را طرح می‌کرد که اغلب در همان مقطع اصلا مطرح نبودند و انجام پژوهش برای رسیدن به پاسخ این پرسش‌ها مهمترین تجربه علمی من با پروفیسور هانتینگتون بود».

همان گونه که در بخش آغازین این نوشتار کوتاه بدان اشاره گردید، قضاوت در مورد اندیشه و خط فکری هانتینگتون کاری است بس دشوار و تخصصی که در این مجال نمی‌گنجد اما باید به این حقیقت اذعان نمود که صرف‌نظر از عقاید و بینش خاص هانتینگتون که شاید بخشی از آن برای ما ایرانیان چندان خوشایند هم نباشد، وی یکی از موثرترین اندیشمندان و نظریه‌پردازان حوزه سیاسی و بین‌المللی در یک قرن اخیر است که آشنایی دقیق و علمی دانشجویان و پژوهشگران ایرانی با اندیشه‌ها و آثار وی می‌تواند درک مطلوب‌تری از جهان پیرامون ما و پیچیدگی‌های حاکم بر آن به دست دهد. ▲